

کوشش نامتفکی

دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۵
۴ ۱۱ جمادی الاخر ۱۳۶۵
۴ ۱۳ ۱۹۴۶

روزنامه بیچوجه در جنگ و صلح و جنگی ندارد

موضوع آذربایجان و نگرانی های عمومی

خوش خدمتی (آمبرزا)

نتیجه ؟

در اطراف واقعه

کردستان

وزارت جنگ تکذیب میکند

چون در بعضی از روزنامه های مرکز خبری راجع به بیابان دهات و مواضع خاک مهاباد بوسیله هواپیمای دولتی و حمله نیروی زمینی سابق لفاظی درج شده بود که بکلی ساختگی و کذب محض و یادگانه ای ارتش در همه جا انجام داده و میدهند طلبه با تکذیب این خبر اعلام میدارند اشخاصی که مرتکب انتشار این قبیل اخبار کذب می شوند طبق مقررات قانون مورد تعقیب واقع خواهند شد

وزیر جنگ - سپهبد امیر احمدی (روزنامه اطلاعات شماره ۶۰۵۲ شنبه ۲۱ اردیبهشت ۲۵)

رادیکو لندن

دایره لندن ساعت ۷ و نیم بعد از ظهر دیروز بزبان فارسی اظهار داشت که در کردستان ایران زودخورد هائی روی داده و ۳۸ نفر از سرایان حکومت مرکزی بدست کردها اسیر شده

(روزنامه داد شماره ۷۳۵ یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۲۵)

وادیو قیروز

حضر روز جمعه بیستم اردیبهشت - از ۳۴ نفر اسیر که کردها در جنگ سر دشت از قوای دولت گرفته اند ۱۷ نفر از اهالی آذربایجان جزء سرباز وظیفه در قشون دولتی ایران بوده . (روزنامه نجات ایران شماره ۶۶۴ یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۲۵)

چندروز متوالی آمده و هائیت الامریس از ترسبه خاطر « آمبرزا » وزیر را ملاقات کند یا املا از ملاقات وزیر کاروزندگی صراحت کرده برود

نتیجه بدل « آمبرزا » چه شده عده از اشخاص معتمد و حتی از روسای خود وزارتخانه که متناق و چاپلوس و بیاج بدو بودند عطای وزیر و باه و انانیش بقیه نمایران وزیر منحصر شدندیک عده اشخاص می بندو یار و هائیت پرونده نظوری هم برای حضرت وزیر در دیوان کثیر فراهم نمودند که بیچاره چندسال دیود تا ماست مالی شد

این بود هائیت کار « آمبرزا » و نتیجه خوش خدمت های او

خوب است آقای نصرت وزیر دقت نمایند اگر از این نوع « آمبرزا » ها بزرگای غیر پیشخدمتی در اطراف ایشان وجود دارد از خود دور کرده تا بهتر بتوانند به افکار عمومی متکی باشند

امام وقت خود را صرف اصلاح مملکت میدانند ، جز تقویت دولت ایشان ، آن قدر که میتوانستیم عالی انجام میدادیم اکنون نیز ایشان را بکله شخصی میدارم که قادرند در عین همین نامیدی مشکل آذربایجان و سایر مشکلات مملکت را با حسن تدبیر حل کنند

امروز مردم ایران نفس داده اند که باید دولت نوام را جدا تقویت نمایند آقای نوام اسلطنه همانطور که با پشتیبانی افکار عمومی بر سر کار آمده باید با پشتیبانی افکار عمومی بکار ادامه دهد ولی این موضوع را باید تذکر داد که ایشان هر قدر کاروان لایق باشند به تنهایی موفق نخواهند شد مملکت را از گرفتاری همه گرفتاری و بیچارگی نجات دهند

ایشان همان اندازه که در حل مشکلات کوشش میکنند باید در انتخاب همکاران نزدیک و اطرافیان هم دقت کنند زیرا همین اطرافیان هستند که اگر خوب انتخاب نشده باشند باعث قلع کردن کارها و افزودن مشکلات خواهند شد

بخطاط دارم که بکن از صاحب تعینان هالیزبه اداره کل کش - اورزی سابق پیشخدمتی داشت که او را « آمبرزا » میخوانند « آمبرزا » هم مالتا بود در آن اداره خدمت میکرد و پاروسلو کارمندان آجا آشنائی کاملی داشت و هیچوقت از اظهار اودات نسبت با آنها غفلت نمی ورزید

تعلولت روزگار و وقایع ۳۲۰ ، ارباب او را به پست وزارت کشاورزی رسانید « آمبرزا » هم پیشخدمت وزیر شد این سست چه بدتر روحیه او شین اثر بخشی به طوریکه نه تنها اظهار لطفی به آشنایان سابق نداشت بلکه حتی حاضر بود آنها را به اطاق وزیر راهنایی کند مگر اینکه ترسبه خاطرش فراهم گردد در مواردی که لیبوالست مستقبلا تقاضای او مراجهین بنیاید بجای آنکه باطوق وزیر معصل شده تقاضای ملاقات شخص وارد شده را به ارباب اطلاع بدهد داخل اطاق شده مراجه میگرد و می گمت « فدای شریف داشته باشید » مراجه کننده بیچاره آقدر می نشست که وقت اداری منقضی میگشت دواین وقت « آمبرزا » وارد شده بسا لیفته مخصوص میگفت « آقا امروز گرفتاری زیاد داشته فرموده فردا شریف بیاروید » فردا نیز عمل تکرار میشد روزهای پند هم همینطور .. مراجه کننده میبایست

در خارج و حتی در میان نزدیکترین افراد به آقای نوام شروع بحریک و دسپه کرده اند

« این خبری است که از طرف بعضی به خواهان نسبت ایشان آغاز شده است

آنها میخواهند بانام خواستی کنند هدف های اصلاح طلبانه آقای نوام اجرا نکرده

میخواهند بدین وسیله افکار مردم را نسبت بایشان مشرب کنند

« درین کسانیکه امروز بر علیه کابینه شروع بغالبت کرده و میخواهند انجام اصلاحات را به متوقف اندازند اسم یک سر لشکر نیز که سوابق خوبی بیچوجه ندارد برده میشود »

این خبر را اگر دیگران دور از ذهن بیندازند ، برای ما که از یکماه ولیم نبل شواهد و ثرائبی راجع بکردستان در دست داریم تعجب آور نیست

در موسیقی که آقای نوام اسلطنه با جدیدت و علاقه مخصوص مشغول حل مشکلات بودند ودر سایه اقدامات اصلاح طلبانه ، افکار عمومی را بخود جلب کرده بودند ، و هر کس که جزئی نظر اصلاحی داشت میخواست با میل و رغبت ، صیباته در انجام نظریات شیرخواهانه همکاری نماید ، ما علاوه بدیدیم که دست هائی مانع از این هستند که این رشته مودت بهم اتصال داشته و حتی بعضی تذکرات صحیح غیر خواهان را مانع می شده که بگوش نصرت وزیر برسد

در همان روز ها بود که ما حتی از کمالی که بنصرت وزیر نزدیک و دند میشدیم که همین ایادی چنان ایشان را دور کرده اند که حتی آناهام بایشان دستوس ندارند و موفق نمی شوند اقتباهاتی را مکه اطرافیان ایشان مرتکب می شوند و موجب عدم رضایت اشخاص حساس و مؤثر شده به اطلاعات برسانند

مادر آن روزها صلاح نمی دانستیم در این زمینه تذکراتی به هم زبیرا نمیخواستیم این امر دستاویز کارشکنان واقع گردیده شده های مخالفت با دولت را آغاز نمایند

ما به نفس آقای نوام اسلطنه اعتماد داشتیم و چون می دیدیم که با نهایت وطنپرستی

میخواستیم صرفه مقاله این مکت کوشستان را بعت در اطراف موضوع کردستان اختصاص داده ، اختیاراتی را که در جنب قلمرسانی ، به بعضی از نویسندگان معتمد روی داده ، با دلایل قانع کننده و توضیح مطالبی که ذهن را بیشتر روشن خواهد ساخت ، رفع نمایم . ولی اخباری که در این دوروز مباحثه بقطع شدن مذاکرات نمایندگان آذربایجان منتشر گردیده ، موضوع کردستان را هم برای چند روزی از سر لوجه مطالب روز خارج ساختند ، ز بر حسب آن تذکرات خود را راجع به مسئله کردستان به همه موکول می نمایم

...

پس از دو هفته انتظار ، رفتن اخبار امید بعضی که « مذاکرات نمایندگان آذربایجان بحضر ضایت بعضی ادامه دارد » متاسفانه هر اید صبر شنبه اطلاع دادند که توافق نظر حاصل نشده است ، « هیئت وزیران در جلسه طولانی روز جمعه خود ، چون پیشنهادات نمایندگان آذربایجان را مخالف قانون اساسی تشخیص داده ، آرا رد کرده و از این جهت احتمال می رود هیئت نمایندگان بزودی به تبریز مراجعت نمایند

خبر عدم موافقت دولت در حل مسئله آذربایجان همچنان و اضطراب همیسی در مردم ایجاد کرده و سخت نگران شده اند ، زبیرا امروز نتیجه ای که بدست آمده با اخباری که از چندروز قبل اشاعه داشت بیچوجه تناسب ندارد چه شده که آناهام امید بکنر تبه بیاس مبدل گردید

عده ای متقاعدند که دست هائی در کار بوده که اقدامات نصرت وزیر را غنی نماید

در این زمینه روزنامه ایران دوسر مقاله دیروز خود می نویسد : « اخیرا شنبه میشود که دست بندی ها و دسایس آغاز گشته است

این دسایس از طرف کسایت که بانام همکاری نزدیک آقای نوام اسلطنه میخواهند مانع پیشرفت نظریات سیر خواهانه و اصلاح طلبانه دولت آقای نوام باشند

شکیده میشود که اشتریک و دسپه بر علیه دولت شروع شده است ، چند نظری که از هلیات سریع ویداد دولت برای معدود کردن هلیات اضرادیکه نوع فعالیت آنها معلوم بود را غنی لیستند

تفسیر سیاست هفته

دنیای ایران در هفته پیش

تسلیم ۵۰
۸ مه ۱۹۴۵

آلو ۵۰۰ آلو ۵۰۰ (هوروین کلوریک) وزیر خارجه جدید دولت آلمان از رادبوی (پلتنس بونک) برای همه جهانیان خصوصاً به زمامدار دولتمن پیامی منتشر میکند. باز تکرار میکنم همه دنیا می تپد، بشریت میخواست آزاده نفس کتد، سخن ضرورت ندارد دیگر بعد از این تویها شلیک نمیکند. دقیقه تاریخی آغاز میگردد دوری طول نیکند، وزیر خارجه جدید که بجای فن دین تریب چند روزی است زمام امور سیاسی را در دست گرفته به دنیا پیشنهاد نمود که تسلیم بلا شرط آلمان مغلوب را بپذیرد.

مظمت این لحظه تاریخی راهم حس میکنند چنگ بیابان رسیده امروز خلق به تاریخ دارد ولی یاز چریل به فعالیت و هوای قابل تحسین خود ادامه میدهد و هنوز متشوق مذاکره با مسکو و واشنگتن است. برلین سقوط کرد، نیروهای آمریکایی به ارتش آزادیبخش سرخ میبوندند، دو چه در دادگاه ملی انقلابی مسکاگه اعدام شد، هتلر مدوم و سران نازیست در «دام برلین» دستگیر گردیدند.

میایر ناپاردم محروم که سالها یاز چنگ را بر دوش ناتوان خود تحمل و آفراتاس منزل (بیروزی) رسیده اند در مقابل «کاخ ایتر» «گرملین» چنگ دشویر افتاد بیروزی خود دورا میگذشت.

دو مدت چند سال نیروهای دیوانه آلمان یکی پس از دیگری به ممالک صلح طلب و آزاد مانند نروژ و دانمارک و هلند و بلژیک و فرانسه و یونان که ضنا در زیر چنگال «دستان» داخلی دست و پا میزدند تاخست بر اروپای اسیر مسلط گردید و پس از چندی به کشور اتحاد جماهیر شوروی نیز حمله ور گردید و شکستهای عیبی در پیرامون مسکو، به ارتش سرخ داد و دو حمرای سوزان آفریقا نیز ضریبان موحتی سر ساهمان انگلیسی و امریکایی وارد نمود ولی دو شهر استالین گراد و المین محل محروب قدرت خود رشید ارتش آلمان بودند زیرا در این دو پایگاه چنان تکانی به ماشین جنگی «نازیها» وارد آمد که - اجم به شکست قطعی آلمان پایان یافت.

بهر صورت چنگ دوم با بوی گرانای بیابان رسیده دنیا زیادهای مادی و معنوی عیبی بشکل تلفات جانی و و شکستگی و ویرانی به خاطر یک تسامح عیبی بیست ماه خود برداشت ولی پس از آن همه احتیاج بازارهای سیاسی نشسته تکرار می شود و صلح و آرامش به تریب و عیبی روز بروز نهید میگردد و رش چنگ هنوز قطع نشده هیچ منازعات سیاسی با شتاب هر چه تا متر آتش چنگ بین- المللی سوم را دامت میزند.

بهر تقدیر ایران ما خواه ناخواه در اینت میانه هشی را برعهده گرفتو از این معرویت های مجدد نصیب و امری دارد. این صلحهای از یک ناهمه شکست

هفته بیروزی

- در هر سال این هفته، برای ملل آزاد و صلحجو
- در سراسر جهان هفته اقتدار، هفته بیروزی است
- زیر بار اینروزها بود که سخن صلح پس از سالها
- چنگ و محرومیت، و پس از مدتها که ناله مردم
- جهان در برابر نعره های دوار انگیز عده چنگجو
- معو میشد، در افق تیره و غولین کتر پدیدار
- گردید

دست اکراد افتاده اند اعلام میدارد.

در تهران

آقای روز ان سفیر کبیر جدید امریکا استوار نامه خود را به مقامات رسمی عرضه کردند.

زمزمه های در اطراف کابینه شنیده میشود زده خود هالی در شمال و بیسی نقاط دیگر بنهانی و آشکار انجام می شود از شروع انتخابات هنوز خبری نیست تهران مانتد همه جا روزهای دشواری را میگذراند.

حقایق اوضاع سیاسی جهان

ناز هم از شورا امنیت

در ۲۳ ژانویه ۱۹۴۵ نمایندگان ۵۱ دولت از طرفیک میلسون و نیم مردم دنیا منشور مال متفق را که سند آزادی و حریت بود امضاء کردند.

این سازمان بشطور صلح پایدار با کمک «اتحاد انگلیس، شوروی امریکا» بنیان گردید و همه هم قسم شدند که این تشکیلات یونین را دوچار سرفوتی نظیر «بیخ اتفاق ملل» گذشته نکنند و در سایه یک همکاری سادفاته اینت سازمان تازه را بنفع صلح دائم با کابینای قرین سازند.

این تصمیمهای اولیه بود ولی هنوز کافله منشور مال متفق شکه نشده تغییرات بسیار عیبی در وضع سیاست جهانی و بالتبع مشکلاتی در راه اداره سازمان پدید آمده بطوریکه خبر عدم موثقت های بیایی و چند روزه اخیر این شورا در حقیقت حکم شرداری برای ملل صلح جبر بود.

در حال این اجدن سیاسی تا اکنون به حل کوچکترین موضوعی موفق نشده و فقط از مندلی و تریبون های منمد آن به بهترین وجهی استفاده کامل برای تبلیغات شده است و بی.

در تمامی دوده اجلاسه اول همان طوریکه دیدیم قضیه ایران و اندووزی و یوان و سوریه مطرح بود سرانجام هم هیچ نتیجه از آن گرفته نشد و در این دوره مجددا نیز قضیه ایران و آسیای دهر است و یک موضوع ساده را آن قدر پیچ و تاب دادند تا دنیا را بدو جبهه مختلف تقسیم نمودند در حال چون طبق اظهارات رئیس شورا امنیت هنوز گزارشی در خصوص تقابله ایران از ارتش شوروی باقی نرسیده قضیه ایران بساز جزو دستور باید باقی بماند مستأسیاها نیز با اینکه خطر بیک از آفست صلح و آزادی را تهدید میکنند مسلم است

سر آن دعو است و بالاخره سرانجام شورا امنیت چه خواهد بود، اسطوم نیست از الجمن وزراء خارجه در پاریس

مسلم بود از این الجمن هم نتیجه هاید برصا هشدن آطوریکه مسلم است حتی در باره موضوع ایتالیا و مستعمرات این دولت و سایر مسائل جزئی نیز موافقتی بدست نیامده است و می گویند مولوتف جدا از دغالتهای انگلیس در مصر اعتراض نموده است

در روزهای اول قضیه ایتالیا را پیش کشیدند ولی پس از مدتی معلوم شد که بعل این مجبول فاند لیستند. دو بسیار آمده اند تا بیان صلح با فندان و سه دولت را تمدون کنند. اینجا هم پیته شان به سکه خورد. هر صورت بهر کاری شروع کردند تا بای منافع چهار دولت بزرگ پیش آمده همه تمام مانده. بالاخره بعد از اینهمه عدم موثقت مستر برنس پیشنهاد کرد که حل لیه این امور با صلح صلح و اگذار شود ولی این پیشنهاد هم چون با روح تصیبات مسکو مخالف بود رونق مولوتف با آن جدا مخالفت نمود در این کفر اسر با زمانه همیشه «بویونوس» با هم توافق نظر داشتند در بگتورف بودند و «مولوتف» بعضی اوقات بیخود در صف دیگر میشینند بهر صورت نتیجه اجدن چهار دولت این بود که تمامی امور را با صلح صلح که از ۲۱ دولت در ماه

ژوئن تشکیل میشود معمول نبود ولی در اینجا پامخ این سوال کمی مشکل است که چگونه اجنبی که ۲۱ دولت در آن شرکت دارند میتواند پیش از اکثراس چهار لری موفق جعل اینهمه مشکلم باشد

ترعه سوئر شاهراه امیر اطوری بریتانیا! اهدیت ترعه سوئر در موقع صلح و چنگ بی نهایت قابل توجه است زیرا در هر سال بیش از ۳۳ میلیون کشتی از این ممبر عبور میکنند در حالی که اروپا از ترعه پاناما بیشتر از ۲۷۰۰۰ تن کشتی رد میشود.

بطور کلی در چنگ جهانی اخیر ارزش واقعی این ترعه معلوم شد و باید در بیروزی الملین سهم موثر را برای این ترعه قائل بود

مخالفت عیبی که در تمامی وقت چنگ ارتش بریتانیا از این ترعه میسر و موجب شگفتی است ولی با مراجعه بتاریخ معلوم میشود که اصولا موثقت جبرانیاتی مصر از زمان ناپلئون اهمیت محسوس پیدا کرد است. هنگامیکه لسن آروزی دوبائی ناپلئون را در مصر تصرف نمود، توجه سیاستمداران بریتانیایی با این نقطه دود افتاده جاب شده

با اینکه سالها مصر رسادر تحت تصرف اینتولف بود بعد از مدتی رساستقلاله ولی در ۱۹۳۶ طبق یکقرار دادیه بریتانیا اجسازه داده شد که برای همه وقت (۱۰۰۰۰ سرباز و ۴۰۰ غلبان) در آفست نگاهدارد این بیان هنوز بنونت خود باقی است و تا چند سال دیگر هم اجبار دارد ولی چون این مخالف با استقلال واقعی یک کشور آزادی است. تمام طلبان مصر لنو این قرارداد را خواستارند و در مقابل ناپلئون کان معالغه کار پارلن انگلیس با دادن هر نوع آزادی ملی در این مورد بدوات مصر جدا مخالف میباشد

پلم آفای سلیمان یونسی لیباسه حقون

کرمانشاه متروک

۱۹

صنجدایی

-۳-

بعد از مرحوم حسن خان ریاست طایفه سنجدایی به پسر کوچک مرحوم شیر محمدخان مصصام السالك سنجدایی رسید بهسبب و اشتیاق و اقتدار سنجدایی در زمان مرحوم مصصام السالك و پسران او (قاسم سردار ناصر - طلی اکبر سردار مقتدر - حسین - لار ظفر) بوده است صفات مرحوم مصصام السالك - در سرشت او صفات عالی اخلاق - شجاعت سلطنت - حسن معاشرت - استقامت - بردباری و مردم داری (با احساسات متناهی وطن خواهی و غرور ملی و حس قداکاری سرشته بوده است .

مرحوم مصصام السالك هفتاد سال زندگی کرد و در مدت هفده سال (که آخرین مراحل زندگی خود را میبویده است) ست وسی حکومت و سرحد داری قصر شیرین را که یکی از نقاط مهم مرزی غربی ایران است هفده دار بوده است و چون خود به امور سرحدی اشتغال داشت رتق و تنق امور ایالتی سنجدایی را به پسر ارشد خود (سردار ناصر) واگذاشت .

از صفات مهم حیات مصصام السالك نهضت آزادی بخش مشروطیت و سپس جنگ های بین المللی و ورود قوای متعاقب با ایران بوده است .

طایفه سنجدایی در صف آزادخواهان و مشروطه طلبان ایران وارد شده بود و پیشرفت مراد مشروطه طلبی و آزادی خواهی و قداکاری و جاهشاهی بر طبقه مستبدین تمام و اقدام کردند .

طایفه سنجدایی و مخصوصا خانهای سرداران آنها مکتف و ممان مردم آزادخواه ایران بود .

در میان کوهها و دره ها و جنگلهای پراکنده بود و در این مدت قریب صد هائفر از سران آزادخواهان و دمکرات و وطن پرست ایران که حاضرین مهاجرت بهک ششالی شدند به طایفه سنجدایی پناه آورده و مدتها میان سرداران سنجدایی بودند . در این قداکاری و از جان گذشتگی و پدیرانی گرم اهل جلیل سنجدایی در سالهای سخت و جنگ و گریز - نون - الماده غواریار یکی از بهترین و بر جسته ترین نوله های غیر تنه و دلاوری و مهمان نوازی ایرانیان است و خاطره آن هنوز بقوشی در ذن مهمانان و بزبان باقی است . (مرحوم سلیمان میرزا میرزا طاهر تنکاشی ، شاهزاده حبیبی میرزا اسکندری ، عبدالرحیم حلجانی سردار حبیبی رشتی ، حاجی امین التجار اصفهانی ، سالار اعظم یختیاری ، منوچهر منوچهریان ، سهراب زاده مدبر السالك ، سداد درویش ، لاهوتی خان شاه مردوک ابراهیم هانری از جمله مهمانان بودند)

بعد از ورود قوای دولت بریتانیا سنجدایی ها باز اقدامات مبین پرستانه خود را ادامه دادند .

دو سال ۱۳۳۶ قمری (۱۹۱۸ میلادی) که قوای انگلیسی اراضی غرب ایران را اشغال کرده بود نیروی عطسی مرکب از سربازان هندی ، انگلیسی ، ایلات و عشایر غربی (کاپورچاق) با توپ و طیاره برای سرکوبی سنجدایی حرکت و پسر اززد و خورد بسیار بالاخره در محل معروف به دشت سر نزدیک دالاهو سنجدایی ها شکست خورده و تمام هشتی آنها بشارت رفت صدمات زیادی بر آنها وارد آمد منجمله تجاوز از بانصه نفر مردوزن و بیه آنان در ورود خانه زمکان که یکی از رودهای غربی ایران است غرق شدند .

جنگ جهانی سزشته در جنگ بین الملل گذشت (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) اولین دولتی که بیطرفی ایران را در صفه غرب نقش کرد دولت عثمانی بود که نیروی نظامی خود را بخرماندهی روف بیگ با ایران اعزام داشت و تا قصدی که نه پیشروی کردند . در طوایف طایفه سجدایی و کردی ها یک سلسله مبارزت و قداکاریهای شده آنها را از خاک ایران خارج کردند

سپس در زمان مهاجرت ملیون و آزادخواهان ایران ، کرمانشاه متشکل حکومت موقت دفاع ملی طایفه سنجدایی به صف ملیون پیوست . در این موقع قوای لشکری نزاری به سرکردگی ژنرال بارنت به صفه غرب تجاوز کرده و در معال آن جبهه مجاهدین و ملیون ایران در خاک سنجدایی تشکیل دادند .

دولتین ایران عثمانی معلو مرتجع قتلای طایفه سنجدایی تا حدود قزل و باوشوشریان امتداد داشت و این طایفه در قتلان زمستان با کمال رفاه در مراتع وسیع خود زندگی میکردند و گله و رده های فراوان خود را پرورش میدادند چنانکه سنجدایی ها از متولترین مردمان صفه غرب بودند ولی متصفانه پس از تعدید حدود اخیر قسمت هدهای از سر زمین ایران که دارای معادن زرخیز نفت است ضمیمه خاک عثمانی گردیده (که اکنون جز عراق

ترجمه آفای منصور شیواز

مقاره دزدان

-۴۱-

نداشت بالاخره با صدای لرزان و منتطح گفت :
 واقابل آیا بر صحت این خبر ایمان دارید ؟
 - آری در صحت آن تردیدی ندارم کس این خبر را بین داده خود شاهه اهدام او بوده است .
 - آیا مانتواز این خبر آنگاه شده است ؟

- اگر خبر داشت من هرگز نمی توانستم شما را در اینجا بینیم اما اخبار نا گوار سرعت منتشر میشوند ، واقابل نگذارید که من بپریم مرا نجات دهید .

واقابل با صدای دردناک جواب داد :
 اما برادرم

ایندو جوان چنان سرگرم صحت بودند که صدای سولگی را که از آنطرف تبه میآمد نشنیدند . اما بزودی پیترو مشاهده کردند که از تبه بالا آمده بطرف آنها پیش میاند .

رنک از روی معیوس بیچاره بریده با وحشی زاید الوصف چنین گفت : دیگر امید نیست . مانتو از مرگ پسر آنگاه شده و اینک پیترو مبادید که بن غیر دهد خود را برای مسرک آماده سازم قیانه شوم او بخوبی مرا از این خبر مطلع مینماید و در حقیقت صورت پیترو که همیشه شاد و بشاش بود این بارتیره و غمناک بنظر میرسد .

واقابل رو بهراس کرده گفت :
 کایا ساکت باشید .
 پیترو اصلا هراس را نگاه نکرد فقط جناب واقابل پیش وقت با صدای اندوهگین گفت :

شما متوباید خود را برای دعا و نواز آماده کنید

- چه میفهمید بگوئید
 - نماز برای روحی که اینک از قالب جان بدر رفته است آریبگو ،

واقابل بستی سخن او را قطع کرد گفت : آه چه میگوئید ؟

- میفهمم بگویم که او دیسگر زنده نیست

واقابل فریادی از لاسامیدی و اندوه فراوان بر کشیده سرش اندر میان دو دست نهان کرد . هراس از پیترو برسد : آیا در حال جنگ کشته شده است

- خیر او در غرقایی که نزدیک آبشار مرگ سیاهه افتاده است

- من و آریبگو با هم در کنار رودخانه راه میرویم او جلو و من پشت سر او بودم ناگهان او را دیدم که ست شده بطرف پایین سرازیر شد اگر بن صد سال هم هرکنم هرگز فریاد او را فراموش خواهم کرد .

واقابل از جا برخاست و بجانب غار حرکت کرد پیترو در حالیکه از از گوشه چشم او را دنبال میکرد گفت : آه بیچاره چه برادر مهربانی است

- آیامانتو بزودی مراجعت خواهد کرد ؟

فریاد های تنج و یاور نکردن را می شنید که با نفل سرگذشت خود در مقاره دزدان ، از دهان ده ها شاگرد بیرون میآمد . اما فکر کوچکی خوشبختی های شبایش را به غمه بدل ساخت : ترک کردن را غافل . یک چنین دوست صمیمی برای او بسیار گران بود او هر فرسی توانست تحمل مفارقت او را بنماید . با خود گفت که واقابل هم باید به انگلستان بیاید . او اینجا در عذاب است .

در همان لحظه ای که معیوس جوان در اندیشه های دور و دراز و تفکرات بسیار مشغول و از خود بی خود بود واقابل را از انتهای جنگل مشاهده کرد که سر بزر بجناب او پیش میآید . آه پیترو آهسته میآید . خدا بصورت او چیرا اینگونه بر اثر رفته و غمگین است ؛ واقابل نزدیک میشد و هر قدر می که بیشتر میگذاشت گویی ترس و وحشت معیوس بیشتر میشد از توده های سنگی که نزدیک هراس بود بالا رفته از آنطرف بهک رسید او را چه میشود چرا حرف نمیزند

هراس سلام دوستدارا که همه روزه واقابل به او میبود این بار نشنید . در حقیقت رنک از روی واقابل پرسید و صورت او را انصهناک بود . سکوت واقابل بر وحشت هراس افزود بی اختیار فریاد کرد : واقابل چرا حرف نمیزنید مگر چه شده است ؟ آیامرضی که شما ماله چه میگردد زنده است ؟

این بار واقابل سر را بلند کرده و گفت خیر او سالتش بتر است
 - آیا اخبار بدی آکسب کرده اید
 آیا این اخبار مربوط به شصت با بن ؟ و چون واقابل به نگاه کردن به هراس بدون حساب آنگاه پیکرد معیوس جوان با صدای بلند چنین گفت : بگوئید بگوئید هر چه باشد از تردید و دو دلی بهتر است . من حاضریم که خبر شما را بشنوم

معیوس جوان با صدای محکم سخن می گفت اما او هم رنک بریده بود واقابل بالاخره تسلیم اصرار او شده چنین گفت : امروز صبح اتو پسر مانتو مرده است .

هراس بی برده و دکه واقابل خبر ناگواری باو خواهد داد اما وقتی حقیقت شوم را در یافت چون برن زدگان میبوت و بی حرکت در جای شتک شد آری او مرده بود ، چه باید کرد ؟ آیای توانست در هیئت جوانی و قدرت خود را تسلیم دژ غیم موحش مرگ نماید ؟ گلویش گرفته شده نمیتوانست حرف بزند میخواست چیزی بگوئید از جهت ترس پازای سخن

هرب است (و نا کتون شرکت نفت هان از آن بهره برداری میکنند . بالنبجه امروزه با آنکه سنجدایی ها به پرورش گوسفند بسیار علاقمند میباشند و از طوایف زرتونه غرب محسوب می شوند . معل و مرتجع قتلای کانی نداردند و غالباً مجبور می شوند برای بدست آوردن مرتجع در اماکن دور دست متفرق شوند .

بالم آقای دیر کوه لرستانی

لرستان در چه حال است

در شماره ۱۱۰ روزنامه طنولان مقاله تحت عنوان «بیام دلوران لرستان» نوشته در خصوص ایران بر سنی و عظمت روحی لرها مطالبی درج شده بود من که یکی از جوانان لر هشم یا خواندن آن با اشگی که از در حس متضاد : حس که از تروور و انتصار ، حس که از تجدید خاطرات تاخ و بدبختی سرچشمه گرفته بود : زگانهایم را تر کردم و این را غنیمت شمرده خواستم که کسی از وضعیت اسف آور این طایفه بد بخت صحبت کند .

لرها پس از کرمانج (کردمانج) دوین طایفه بزرگ کرد میباشد که مانه بردن هم از خود طوایف دیگر افراد نظر بدست سکونتشان در ایران زمین آنها را مردمان بومی میهن خود بقوام تصور نمیکنم زیاد باشند و رفته باشم .

لرها یادگارهای ملت رشید و جنگاور کورسی کاسپیا میباشد که شاهنشاهان ماداری مانه کاند ش که پس از استیلای بیابل استاده بقمرت و سطوت خود نموده خود را پادشاهجات اریه میخواند و اکوم کاکرم که علاوه بر تسلط به بابل بقمرت هیت که از معتدترین دول مصر خود بود کوشمالی بسزا داده از خود بوجود آورده مفاخر بزرگی بسبب تاریخ ایران نموده است یاکان لرها جامه بودند که بشاهدت آثار و غلورفیکه در آغوش خاک خود از خود بیادگار گذاشته اند و در حفریات اخیر بدست ما رسیده و امروز زینت بخش موزه ایران باستان شده اند از متدین ترین ملل مصر شود بشار می رفته اند اجداد لرها مردمانی بودند که زمانی نه تنها سلطنت ایران حتی فرمان روائی خاور میانه را بخود اختصاص داده قریبهای فرازی در آن مناطق وسیع حکم رانی کرده اند .

البته نواده های اینت رادمردان شایسته گی آنها دارند که پاسپالی خاک پاک میهن عزیز خود را نموده هر دست پلیدیکه قصد تخطی به آن مادر مقدس داشته باشد خرد نماید .

اما افسوس از روی بی اعتنائی زمامداران دولتی خود امروز از قافله تمدن غربی خیلی عقب افتاده رنگ جهالت و بی سواد ی جوهر اعتقاد و اطینیان او را که بحکومت مرکزی داشته آورده ساخته است بنابر این مشکل بنظر میاید که الفاظ مشعش و بوج هاری از صبیبت دیگر بتواند جوانان این قوم را بکشتن دهه ۲۰۰

امروز طوایف بیچوجه از همران و آبادی بلاد فرهنگ بیداشت که از خواص قریبهای اخیر بشار میاید ذره نصیبش نگشته و در کلیه های محتر و چادر های سیاه و پوشیده که با گاه و گواه ترش شده لغت و هریان با مراض گیاهگون مخصوصا مالاربا و نرساشم دست بگریان و در ظلمت و نادانی پویانته .

در میان نیم میلیون افراد لر بگردید به پیشید چته نفر با سواد و چندده مرده پیدا خواهید کرد تسجب نکنید اگر بگویم هنوز در لرستان یکده بیرون کامل تانسیس شده و آثار ادعا کتم جوانان و بچه های الوار را هندا از تحصیل محروم میازند اغراق نگفته ام وانحال دارا- لرتیه هشابر در تهران و لرستان که بامر وزیر فرهنگ وقت انجام شده مویه این موضوع میباشد .

با اینوصف کی میتوانه جهالت امروزه لرها را به بی اعتنائی این قوم فرهنگ بیندارد بر عکس همان است که در نتیجه سوهنیت زمامداران گذشته باین طایفه بوده و میباشد .

شلی دور تروید در اوائل هید رشا شاه بنام اصلاحات چه بلاعائی بسر این مردم بدبخت وارد شده است که از کوشش بنام برایت هاردارم .

چچسا خانواده های بیکنه که مانند اسرای بی اسرائیل بازن و بچه های با برهنه در سخت ظلم و فشار نامورین برجم چه راههای دور و درازی پیوده واز هشی ساقط شده اند .

چه بسا جنازه های پور با پسر - مادر با هیال را که در زیر شلاق جان سپرده در کنار جاده عاجا مانده بودند بازمانده کاش نه تنها استضعاف بلکه اجازه کفن و دفن و حتی فرصت کرم کردن را هم بدست نیآوردند اینت اطلاع ترین یادبود های زنده گی است که دل آزرده لرهای شجاع و با شراتی را متجز ساخته و در برداشتند هر قدم پنکر واداشته است لرها دیگر نمیتواند قریب مدیحه سرایان مرکز را بقورنه و حتی از شنیدش هم اگره دادند این ها نه حرف هسل بلکه با دست شفقت نوازش میخوانند جبران ظلمتینی گذشته را میخوانند .

تأمین وسائل فرهنگ و بهداشت می تواند .

تأمین جان و مال و شرف ناموس میخوانند .

آنان میخوانند یک تیکه نان لومض را که با هزاران جان کندن و زحمت بدست میاورند از آن خود دانسته و با زن و بچه ماتم زده شان برایشی صرف نمایند یکمده انتظار دیگر هم دارند که از هه مهتر است آری آنان میخوانند جانشان در امان بوده وزن و بچه ها ایشان از ترس دیدار نامورین لشکری و کشوری دولت از خواب شیرین بترند .

من نیدالم جناب آقای نخست وزیر که مانند یک طبیب حاذق و یک جراح زبردست نبش این مسکت بیمار را در دست گرفته و سعی در بهبود او دارد اینقت از ایران را که بیش از سایر اعضاء کشور احتیاج به مدالجه و جراحی دارد تشخیص داده است با خیر و اکتون که برای مداوای کشور در شرف دیدید آوردن انقلاب تاریخی کشور در سیستم اداری و اقتصادی سلکت میباشد امیدوارم احتیاجات ساکتین رشید و فداکار این

انتباس آقای ت. امینیان

خلاصه از کتاب مهر میهن

از صفحه (۷) حب وطن نهایت کرامی و درک آن بغایت مهم و عظیم است آنانکه بوطن خود بملوس قلب و هدای نیت خدمت می کنند و زاد بوم خود را از روی حقیقت دوست دارند و در خدمات خود توفیح نصیبت و آفرین ندارند ؛ فرشتگان خلقت اند ؛

در سده ۱۸۵۷ که اهالی هندوستان شورش نموده بودند یکی از لوابهای دعلی با دوست سوار خود بطرف قدری از میهن پرستان جاغلتائی میگرد

و در شهر مراد آباد بانواب رامپور که از طرف انگلیسها حاکم بود داد مردانگی داد ؛ در این موقع تشریف انگلیس نیز به کمک لواب رامپور رسیده و دلاور دعلی را از چهار طرف محصور نمودند ؛ ترتیب کار طوری بود که بزودی این دسته سلحشورن لیست و نابود می شدند ؛ یکی از افراد شاهزاده را فکری به خاطر رسید که چنانچه بتوان ایثار مهربان خودشان را آتش بسزته هم محصورین خلاص شده وهم همدیاری از او روی دشمن تلف خواهد کردید ولی این فداکاری مستلزم به کف نهادن جان بود .

سرباز نابوده نقشه خود را بر سر شاهزاده رامپور حاضر بجان بازی شد ؛ اینک شاهزاده باین فداکاری برای ندادولی سرباز مزبور در ساعت مین خود را بانبار توپخانه رسانیده و در حالیکه یکمده کافی از اردوی دشمن در اصراف محل مهربان بود . اچار را آتش زد باهمه جان نا قابلی شود شاهزاده و صد نفر از هم میبتان را از مرکز خارج و در حدود هندیه بفر هم از سیاه انگلیسیان را تلف ساخت .

کسی نتوانست این سرباز گننام اهل کجا و اسنش چه بود . فقط مهر میهن و هلاکت ب و خاک بود که او را بفداکاری واداشت .

ای مرد سحر عشق ز پرویه بیاموز

برای اطلاع ستاد ارتش

برابر اطلاعاتی که میرسد همدان مادر صابری معروف کارمند ستاد ارتش که فعلا در دست راست از با پوش سازی و تهیه بد مردم تهیه گزارش های مرفضانه بنظور سوء استفاده مضایقه ندارد حتی مضحک این ست که نحو من روز نامه را برای مردم بچرمی دانسته آنها را تهدید میکند . توجه تیسار سر لشکر جهانبانی و تیسار سرتیپ هایابولی بدیانت این شخص جلب میگرد .

رسیده کمی وقت در کوش های این شخص قطعا تا حدی مشا هرات نون را تانیده خواهد نمود

کاسوسه را جان شده و آواز نیامد هیچ بخارنی لیست این حب قریب واملعوض داشته باشد همداد و جاووران آب و خاک خود را می پرسته ؛ اهالی جزیره کریمت مهر میهن را مطابق مهر مادر میدانند

زنگیهای حبشه و زنگبار اعتقاد دارند خداوند عالم جنگلها و صحراهای ایشان را بدست نعمت خود ساخته و باقی دنیا و فرشتگان درست کرده اند ؛ اهالی همن که مولدشان در گرمی و خشکی معروف است میگویند خداوند این همه ستاره و ماه و آفتاب را فقط بخاطر همن خلق کرده ؛ اهالی جزیره مات که سراسر خاکشان سنگلاخ و اسالنا خیلی بد آب و هواست ا وطن خود را کثروزی زمین نامت خاکتین جزیره سرادب میگویند اگر بوشی هست اینجاست و اگر کسی انسان است لقطعا همنبم بقیه دنیا دوزخ و ساکتینش جاووران میباشد یکی از مورخین فرانسه می اویسد ؛ کادر لاشگاه پاریس متذنی وادیدم زار زار گریه می کند ؛ گنم برای چه گریانی ؛ گفت دوست موزرا در اینجا دیدم و بیاد وطن هندوستان افتاده

بقیه دارد

چند شعر به لهجه کردی کلهر

اثر طبع آقای مهدی شیرازی

دلا خاموش بو ورته که واوت من مه کم آتخ
و آمی سوزناک هردم وه آوت من مه کم آتخ
له حق گوتی زوان خاموش ره زیودن تو آتخ رچار
و گیاه دوستار دوزمن سه ساوت من مه کم آتخ
اگره به رویه چه هلت برامه رداه باید له و دور
له صدره مه جلسه کوردان سه تاوت من مه کم آتخ
له بدانه جهاده فوز مه نان ای پوری اکی کورد
به زان روزی شه ویکی انفلاوت من مه کم آتخ
ته گورد که لهور ته کی گیانی تداپه تومه گی کی کوردی
له ناره هیت کسوردان جوورت من مه کم آتخ

مرز و بوم را فراموش نفرمایند و اصلاحات اساسی را در انجام هر چه زودتر شروع نمایند .

دو اینصورت است که محققان میوان و باید امیدوار بود روح ایران پرستی اینان که از لیالان خود بارت برده اند با حس اضداد و صداقت توأم شده اند این

بی نظیر در حفظ و حراست ایران بوجه آورده و در راه تجدید هفت میبت مقدس لیالان خود از هیچگونه جایازی و فداکاری مضایقه نخواهد کرد و گرچه هه میدانه از آدم مایوس و مریش و جاهل هیچ کاری ساخته نیست ما باز در اینخصوص صحبت خواهیم کرد .

اورامی ها ملقب بگلک برای کیل خود قسم میخورند که با تمام قوا برای برای استقلال حرم والی حاضریم

و تا آخرن قطره خون خود اطاعت ازو نبل خواهم نمود بشرط اینکه طوبی خانم از شهر خارج و خود را غیره (حسن آباد) برساند و امان شیک و ایل در سنه ۱۲۶۲ (۱۲۶۲) جمادی الثانی جمعیت

اورامان را یا خود حرکت داده حسن آباد می آید و از آنجا طوبی خانم اظهار میدارد که حسن آباد بیاید

امان شاهان ازضبه مستعمر شده بساعت علیحدگی یک و میرزا جواد پس میرزا هدایت افه وزیر طوبی خانم رانامع از حرکت میشود با بیاه گران بچک

امان افه یک و اورامیا بیرون شتانه منوجه حسن آباد میشود اورامیا پس از اینکه می بیند که طوبی خانم حواهر شاه پیدا نیست

امان افه خان هم هازم جنگ شده است از امان افه یک و کیل کتاره گرفته دویت سواری هم اوطافه لک ها همراه و کیل بوده اند سپاه والی ملحق میشوند تاچار امان افه یک و کیل که بیایند داشته نه جای اقامت

یاچند نفر از اتباع خود در قلعه حسن آباد محاصره میشود و جنگ درگیر میگردد از همراهم و کیل شاگرد سلطان سور

سواری در حمله اول کشته میشود اورامی ها هم حار بدنامی را بر خود هموارنوده از کوه سرازیر و سپاه والی ملحق می گردند

و کیل میانه تنها خودش با اسدالله یک پسرش و شعیب یک برادر زاده اش و چنه نفر دیگر از سادات و مشایخ و مولای را با حشمتی و علیچند یک بی هم و کیل نزد و کیل میفرستد

قسم یاد میکنند که جررات و محبت هیچ گونه حرکت سوئی نسبت باوروا خواهد داشت و کیل باطینان قسم از قلعه خارج و حضور والی می آید والی اورا بوسیده

و در کنار خویش می نشاند و پس از نیم ساعتی روانه شهر می شود در عرض راه میرزا فتح پس میرزا فرج الله وزیر والی را وادار میکند باینکه امان الله

یک را با احترام وارد شهر نکنند والی تمدا دربرود تاخیر نبوده دوساعت از شب گذشته وارد دارالایاله می شود

امان افه یک و کیل رادریکی از زیوتات غلوت حبس میکنند پس از ۱۸ روز به وسیله نمایندگان امان افه یک و کیل را بقتل میرساند

پسر و برادر زاده و هشتبره زاده هایش را به علی محمد یک میبارد زن مرحوم میرزا فرج الله بذات آنها رفت کرده نزد والی شفاعت می کند و آنها را آزاد مینماید

در خانه این نهادیا در سنه ۲۶ شعبان ۱۲۶۲ میرزا رحیم خان بشهدت هاشمی مامور میگردد که طوبی خانم را باسند آباد بکوجاند

در رمضان همانسال طوبی خانم بقره (نسلان) حرکت کرده با اتباع و کسان خود که در اطراف پراکنده شده بوده اند کافه مینویسد پس از آن طوبی خانم

مکتوبی بجهان میرزا آقاسی صدر اعظم بفرودن ذیل مینویسد

آخر تره آن بودی که بارها می فرمودی اغلامی وازادت من در خدمت اولاد مرحوم نایب السلطنه پسر مدگمال است چه حد که بدون زیر و بالا از آن

بفلم آقای محمد مردوخ آیت الله کردستانی

کرد و کردستان

سنه اردلان

۵۴

رتبه والا افتادند و باین لباس و کالا جلوه گر شده

دوران بجا بود صحرای بگذشت

لیک و بوی پرورش و زینا بگذشت

پنداشت ستمگر کهستم بر ما کرد

بگرفن او بداند ویرما بگذشت

چون اینت مرفومه بجهان میرزا

آقاسی میرسد از مساعده های خود بولیه

و میرزا هدایت الله بنیان شده وجواب مینویسد

(آنچه مرفوم فرموده بودی حق محض و محض حق است

اگر به تقاضای الانسان محل انسان نفسی در خدمتگزاری ارایین بی نام و نشان روی

داده باشد باید بدل کرم حق فرماید

پند همدان به که زتصیر خویش

مدر به درگاه خدا آورد

انشاء الله قریبا وقع مناقات و خلائی

خواهد شد - صحرایه مرض میکنند یک

سهم تریاک میل بفرمایند در سایه دوست

بید استراحت بفرمایید که امپوارم

هتربید رضا قلیخان والی با مقام ولایت

شرفیاب حضور گردد (چندی لیکن در

حاج میرزا آقاسی بوعده خود وفا کرده

امان افه خان (علامه شاه خان) معزول و

رضا قلیخان پس از پنج ماه معزولی و در

۱۵ شوال ۱۲۶۲ مجددا بران و خلافت

حکومت مفضل و دلشاد میشود

و در هشتم ذی القعدة سواد فرمان

او بگردستان میرسد دستور میدهد که

هاوخواهان علامه شاه خان را دستگیر و

حبس نمایند - جمعی از قبیل میرزا جعفر

وزیر واسجیل یک داروغه و میرزا محمد

رضای مشه پس میرزا عبد الکریم و

فرهم حبس میشوند و سایر هاوخواهان

از قبیل حسین قلیخان اردلان و بختلی

خان پس محمد حسن خان و میرزا فتح

پسر میرزا فرج الله وزیر ولیره هم بجانب

شهر زورفرماری و متواری میشوند و خود

والی در ۱۱ ذیقعدة ۱۲۶۲ نوبت سوم

بگردستان مراجعت مینماید لهی الورود

بگردستان کسانی را که در کشتن

امان افه یک و کیل دخالت داشته اند

بسببت و مجازات میرساند - از آنجمله

جعفر قلیخان اردلان خواهرزاده امان افه

خان بزرگ وزیر واسجیل داروغه و میرزا

ارهمین منشی پسر حاج مصطفی والناس

ام قراش و محمد خان پسر سیزی لک بوده

اند که هر یک را بناسبت حال خود به

مجازات میرساند و هرا داری و کیل را

از سر گرفته و خود و لی برسم ایلت گل

پس مالیده و سیاه پوش میشود و بر حسب

امر او نیز هموم امانی سیاه پوش میشوند

پس از قتم هرا اسدالله یک پسرش راه

خلعت و کالت منظر و بجای پدر مینشاند

پس از دو سال حکمرانی همانندین رضا

قلیخان را دربار شاهی بپوشنی بیاچمن

میرزای برادر محمد شاه که در آن

هنگام در آن در با بایان حکمروا بوده متهم

میباشد از طرف دولت خسروخان گرجی

با عوارض شامسون مامور گرفتن بپن

میرزا و دستگیر کردن رضا قلیخان می

شود بپن میرزا نوراً ملثت قشیده شده

و اکمال استقبال بدو بار شیربازی بشتاند

حسرو خان از رفتن بگذر و با جان منصرف

شده سرحد گردستان می آید و رضا

قلیخان اظهار میدارد که ما در پیشی در

این صفات دادم ملاقات شما برای من

لازم است رضا قلیخان فارغ آتدین و از

همه جا بی خبر بدون و اعمه و استیاط با

کمال سادگی باردوی خسروخان میرود

وسر نهار وارد میشود پس از صرف نهار بر حسب دستوری که خسروخان تباداده جمعی بر والی ریخته و او را دستگیر و نوکر و همراهم و ایزد تمامالت و برهته میکنند و والی را توسط برادر قلیخان گروسی معلولا روانه تهران مینشاند و در آنجا در توبخانه دولتی حبس میشود و خود خسروخان و همسایر مستعج میگردد و پیرام حکمرانی میردازد

حکومت خسرو خان گرجی

خسرو خان گرجی که خسروخان خواجه اشتیاد داشته در سنه ۱۲۶۴ هجری بشهر سنه دژ وارد شده پس از ورود او جمعی از متبرین کردستان بطرفه اداری رضا قلیخان رهسار تهران میشوند و در مسجد شاه بستن و متعین میگردد حاج میرزا آقاسی چون شورش و هیجان ایل کردستان را مشاهده مینماید باطناً از کار خود پیشانی شده مولی برای اینکه عظمت دولت در انظار رعیت کاسته شود یک فوج سرباز را با چهار هزاره توپ در تحت فرماندهی

علیخان قراگوز لو برای استحکام کار خسروخان روانه کردستان مینماید و کردستان با راهم دو تهران هر چنه زجر و سیاحت میکنند که شاید دست از رضا قلیخان کشیده و مراجعت نمایند بجای لیسرست حتی علی محمد یک و کیل را که رئیس و سلسله جنیان متعینین بوده در حضور شیربازی و پنجهوار خوب میرسد باز برای مراجعت بگردستان حاضر می شود و بر اصرار خود در اعاده رضائلی خان می افزاینده تا اینکه در شب ۶ ذوال

۱۲۶۴ شهباز هم رخت از سرای دنیا ریخته بفضای جاوید رحلت مینماید در این هنگام کردستانها که از وضع معاملات غیر عادلانه حاج میرزا آقاسی و حرکات خسروخان خواجه بجان آمده رضا قلی خان والی در قره تهریش که محل توبخانه دولتی بوده محبوسا میزیست است فرصت را منتقم شده با فوج گروس هدست و همه استان میشود - و بدون اینکه خبر به خود رضا قلیخان بدهند بقره تهریش ریخته رضا قلیخان را از توبخانه بیرون میکنند و بسبب کردستان روان میگردد بعضی رسیدن این خبر بفسرو خان خواجه

نوراً یا دو هزاره توپ و یک فوج سرباز از راه گروس بجانب زنگان فرامیکنند از این طرف هم رضائلیخان با فوج گروس که در کتاب آمده اند وارد سنه دژ شد دیده امانی پدیدار والی شاد میشود والی با صاحب سیاحت فوج گروس بی اندازه محطوف و اشفاق مبتول میدارد و آنها را با نهایت رضامندی اجازت عودت میدهد

فرهنگ برلیان
کتب آراه و افکار بررکان
در ۱۵۰ صفحه ۱۵۰۰ موضوع
مهم زندگی شما را به مسامت و مشاورت با بزرگان شرق و غرب مشاغل میدارد - تهرات همه کتابر و شویا
۲-۱

در قصر شیرین
روزنامه کوهستان در قصر شیرین بکنفر نماینده میخواند کسانی که علاقمندند با اداره روزنامه بکار فرمایند

اثر طبع ملا معروف گرجی

گوی شل که برام فرله نصحت و پند
و اتی مه که بیی پله به یکیکه به خنده
روحم بدای تو و که ملت ده پرستی
ببیزارم له محکومی و آزادی بسته
هر کس که در گل مانی خوی بینی چای
ذاتی که که عالی نسب و فکری پند
هم مکت محسومه له آزادی و شادی
آواره له بوم و خنفت بو له پسرانده
ده غوازه صحرای در و دشت و بیابان
وک شولسی بیابانی و حیوانی چرند
قسی کمی و کو هترب و وک مار و دو تپله
میلسی به گزینده و کو حیوانی گزنده
باعث انه به بی کس و سردار و رئیس
هر بو پشه ام ایشه که گندیده و گنده
در متفنا دس بسدی له بی که ن قلبی
یک فسوتی بی لازمه ام پند و گنده
تولیق له خداوند و له سراوه قیامه
یک حمله برن فرمته وک شیری درلده
له و مد و طلسمانه به گوزان بشکین
لنات پکن او قیده به شمشیری برنده
له و لذتی آزادی حیرتی نشه
مد مسرتبه شیرین تره لم شکر و قنده
این اشار را آقای محمد آ . آ . ستر - ارسال داشته اند

بنام آقای عباس آزاد پور نایبده انجمن ولایتی کردستان از منتجع

زمستان ۱۳۲۴ و قراه شرقی کردستان

چند کلمه از وضع مردمان آنجا و طریق مقابله با این گرفتاریها

بشمیرین مسرین سال ۱۳۲۴ بلخاقل برف و یاران های سیل آسا ، از سن سال قبل بیسابقه بوده است . کثرت درول باران بقدری شدید وهولناک بود که در آذر وفروردین رگبارها و طوفان های باران خراشین فون نلاده به کله های دعقانی وبا جهنم های معلی روی زمین وارد گردید .

چا دارد مشغری از وضع داخلی بعضی یا حداکثر از تیه خاکهای صوف که بنام ده ناه گذاری شده است بشکارم ینوله یا دغه های کثیف و خانه های که شیه ساختنهای ادوار اولیه می باشد ، با بطور واضعتر مسکت و رمایی امروزی یا جایگاه مولدین رزق میایون ها بشر

این اماکن از مدتی چهل تا صدی هفتاد بکلی خراب و منهدم گردیده لیکن در مقابل این مصائب آب بقدری فراوان است که گوره چشمها ظهور کرده ، زانها ها برآز آب وازدخته چاههای قنوت آب نوران میکند .

آیا خداوند در مقابل خشک سالی و تعطیل هند و آفریقا صوم بزرگی از ازارای آن نواحی را بگردستان عنایت فرموده است .

برای جبران این سوانح و هابا باید غذا کاربهای بیشتری ابراز داشته مالکین نیز بر خلاف گذشته دامن مساعدت را باید بگرم بزنند وبا مجاهدت و قبول مشقات از طرف نلاحین و صرف مال و مراتب در طرز کار از جانب مالکین متناظر درفراش قلی قدری تغییر یابد .

خشتا بابه مالک و مباشرتس لایند رهبا و زست کشتان را با مسلم کار خراب ساده و ابتدائی آشنا نوده وباسرپرستی کامل اصولی که بسیار مورد توجه و علاقه امروز است منظور نظر داشته باشند .

آن عبارت از آهنا نودن رهبا بگرمبا کردن سوکها و فائت بودن دیوار ها و احدات دیوار ببط مستقیم - ایجاد درپ بلنه و رساه - روزنه کافی برای اخذ نور - دور کردن درپ طویله از اطافهای مسکونی برای جلوگیری از تشن فضولات حیوانی میباشد . سپس اطافهای مسکونی قدری مرتفع تر از کف حیاط باید قرار داده شود تا طریقت و تم و شوره مزید بر بی پوشاکی شود و اطالشان ندهد . بامراس گوناگون دجارشان نشاید

سهر حال زمستان گذشته بلای عیبی بود که برای خانه دادن بسر بعضی از آن دغه ها اعجاز خرمین به روح داد (اگر به تر از آن تجدید نشود) خرابی این قراه برای رهبابی فقیر مزید بر بدبختی های فقر صوم و نداشتن وسایل زندگی با همه احتیاجات بشری است که با آن مواجه بوده لغت و مور (حتی بیکار هم از قشاش دولتی بهره مند نشده اند) و بعضی هم گرسنه اند (ایان فقط از نان جو یا زرت خشک و غذای ارار معاش می کنند !!) جز تسلیم به

مرگ و فضا چاره ای دیگر ندارند

از اینها هم بدتر عدم بهداشت است که در درجه بسیار پستی واقع و باید کت از صفر هم پایین تر است . مردمان و اطالشان نجیبی لباس بی برهه ، کور آبه گون - بیچارگی معش اینجاست که در بعضی از دهات مرش جذام خایورده ها و تمام قریه را باین بلای خانانوسوز و مملک دعوت و سوق میدهند .

اطفال و جوانان بسیار تغییر رنگ میدهند و خنرب جذام اوراق جوانان را به آتش جانگدازی ترمه تار میازد آن بدبخت ها و آن جمعیت های بیروا که از تمام خوش بختی ها محروم و دستشان از همه چیز کوتاه است برای مبارزه یا همه و همه این بریشانیها جز خدا و دعا چاره و دوائی ندارند تا مشیت الهی و استجابت دعا چه نری باز آورد آنها بخنداست .

آنها برای مقابله با این بدبختی هتت خاکه چاره ای اندیشیده است ؛ آبا به منظور چاره عقلی بردگرمای طرح شده که از جنبه صرف و اوقهت خارج و وجود خارجی پیدا کند آیا بعضی از مالکین خوش گذران در آسمان خیال خود بجهت این طبقه فراموش شده و محروم از کله مزایای حیاتی حاضر نخواهند بود برای آنان موثر و مفید واقع شوند و هزار یک بدبختی و بریشانی آنها را بهر طریق و هر نوعی که بسته خدا و تمام مردمان بشر دوست جهان باشد جبران نواتند یا خواهند نمود ؛

پاسخ آنها تشکیلات نوین خواهد داد که سازمان های اداری و اجتماعی زلك زده و فلج و بی خبر از هر چیز امروز ما .

تشکر از اعطای لباس به نوآموزان بی بضاعت

در فروردین ماه ۱۳۲۵ که تیسار سر لشکر جهانبانی به کابایران تشریف فرما شده ضمن بازدید و بررسی وضع نوآموزان و اطال بسی بضاعت به آقای ریحانبان بهتعار کابایران دستور داده بوسائل مقتضی لباس برای نوآموزان تهیه نماید بالتلیجه با تشربك مساعی آقای حبیب رئیس فرهنگ واقفام غیر خواهان آقای حسین و کبیل در تاریخ ۱۵ اردیبه ۱۳۲۷ بوسله آقای ارجبندی بازرس فرهنگ سی و یکصدت لباس برای پسران و چهار دست برای دختران تهیه و آماده و دو همان روز با حضور وسای دوایر دولتی به نوآموزان بی بضاعت پوشانیده شد

این اقدام خیر خواهانه از هر حیث موجب مسرت و سببگزارای واقع و بدین وسیله از توجهات تیسار سر تشکر جهانبانی و آقای سرهنگ فراسرزی و آقای حبیب و کبیل سببگزارای بوده و از هکارتی و عدیت آقای ارجبندی قدر دانی و تشکر میشایند

مدبر دبستان دولتی دقیقی کابایران محمد مهاجر پور

اگر درست در زندگی این قهرمان اسلام دقت کرده و مراحل زندگی را او را با تامل از مد نظر بنگریم خواهیم دید که از تجلیات زندگی و فرور و تکبر که بیشتر سلاطین با بند آن می شوند بسیار دور بوده و اصلا بدان خلایق ای نداشته است .

هر فردی از افراد کشور وسیع او حق داشته از بزرگ و کوچک های و فقیر بدون کسب اجازه بحضور سلطان پارباخت و شکایت خود را بر عرض رساند و غالباً طوری با آنان صحبت میکرد و به شکایتشان توجه و رسیدگی نوده که جنبه سلطان و رعیتی در میان نبوده بلکه رفتارش پدران و بسیار صمیمانه بوده است .

سلطان صلاح الدین پادشاهی عادل متواضع بود و این تواضع در رفتار و کردار و حتی در پوشاک و محل سکونت او کاملاً هویدا بوده است میگویند برای او شام قصر بسیار زیبایی برای او ساخته بود و تشیکه سلطان از آن قصر دهن کرد بوالی گفت

« لیتوانم در این کاخ با شکوه برای ای زنگ گالی نایم این کاخ هر گز به فردی که اجل دو چنه ندمی اوست برانده نیست عرض ما خدمت و اطاعت او امر خداوند است نه چز دیگر مال و مکتد در نظر سلطان صلاح الدین ارزشی نداشت و بارها گفته بود :

« مال و خاک در نظر من یکی است و هرگز بین آنها فرقی قائل نی شوم »

هر فردی که به وی روی میآورد مابوس و نا امید مراجعت نمیکرد همیشه پیش از آنجا که انتظار داشته شمال و راضی بر میگرددانیه تمام زیر دستان میدانست که مایهک سلطان همان است که صرف نیروها و افراد خود میکند .

و بهترین دلیل هم این است که هنگام وفات نه مال و مسکتی و نه زوتی بجا گذاشت و چنانکه امیر محمد علی میگوید :

« سعادت و کرامت سلطان بعدی بود که پس از مرگش ۴۷ درهم بجا گذاشته بود این مبلغ خیلی کمتر از آن است که یک نفر معیر از خود جامی گذارد »

بزرگترین دلیل بر عظمت و قدرت و جوانمردی او این است که مورخین و علمای قرب و پادشاهان آسمان تمام مدات حسن و برجسته او را تقدیر می کنند .

در حینی که امپراتور آلمان چندین در سوریه توقف داشته اولین تقاضایش زبارت آراسکاه این سلطان بوده است و چون به آراسکاه این قهرمان رسیده یک دست کالی بر مقبره اش گذاشته و در لطق کوتاه خود چنین گفته :

« من بی اندازه متعظ و مسرور هستم که قدم به سرزمینی گذارده ام که زمانی قهرمان بزرگ سلطان صلاح الدین بر روی آن میزبست قهرمانی که

مشاهیر کرد و کردستان سلطان صلاح الدین

از بزرگترین و برجسته ترین رجال صبر خود پشمار آمده رشادت قدرت قناعت جوانمردی او روزی شهره آفاق بوده است .

سلطان صلاح الدین پادشاهی عادل و سلطانی مقتدر در عصر خود در هنگامی که لبرو های خود را برای اخراج و جلوگیری از نفوذ علیسی ها رهبری می نمود اتفاقاً به بیروی های علیسی که تحت فرماندهی ویشارد شیردل پادشاه انگلستان اداره میشد بر خورد در هنگام رسیدن دو اردو بهم سلطان صلاح الدین پیش رفته و با صدای بلند گفت دراست در جای خود بایستید که دل این شیر از دل شیر شاهان فرستاد

این سلطان تقریباً تمام زندگی خود را در میدان های جنگ گذراند حتی در حینی که بسیار هم میشد میدان جنگ را ترک نمیکرد .

هر گز دیده نشده که از درد و مرض از اسب پیاده شود و کاهی که اسراه او را مدبعت نمیکرد نه که مدتی استراحت نماید چینی می گفت : « هرگاه تمام من یا زمین تناس یابد احساس درد می نمایم »

دکتر احسان الیالی اظهار میکند که وجود سلطان نوبه حقیقی عظمت و انده و اسلام بود و در وجود او بابه عظمت و قدرت شرق را شناخت .

ستانی مودع معروف می گویند : « هنوز جهان بی به اخلاق و صفات برجسته این ذات بزرگ نرسیده سلطان شریف و پادشاهی شجاع و با رحم بوده و - و بدین اوصاف حقیقتاً نوبه برجسته اسلام بود و چیزی له بیش از پیش به عظمت و قدرت این سلطان افزوده و باعث گردید که تمام دوستان و دشمنان او از وی تریف و نتیجه نمایند »

در تاریخ چنین نوشته اند : « چیزی که باعث حیرت و تعجب ما بود اینست که با سلطان صلاح الدین ایمان پیدا کرده بودند جوانمردی سخاوت گرم و ابلای پدیدار بود .

این است عقاید مسلمانی که بدست این قهرمان شکست خوردند و تاملشان را با یک دنیا پاس و نا امید از استیلا بیرون کرده بود .

آقای محمد علی حصر وراثت

آقای محمد علی حصر وراثت پادگاه بخش کردستان تقدیم که بانو قدم غیر مادرش مقیه دایمی است . ح بون نوده وزارت او منحصر بهتاریخ (بج) علی ذبحر) میباشد بسته گواهینامه معلی و شناخته برای استفاده از کله تر که متوفی مدبر گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه با دستوالی در روزنامه رسمی کشور در روزنامه کوهستان درج میباشد . اگر کسی وا خواهی دارد یا وصیت نامه سری یا سری تا نزد او هست از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر میشود .

ولیس دادگاه بخش کردستان - خیابانی ش . آ . ۲۹ - ۳۰ - ۳۱

کوهستان

انگیزه های مهاباد

جناب آقای پیشه وری نخست وزیر آذربایجان و آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران کیه جناب آقایان ابوالقاسم صدر قاضی و محمدحسین خان سیف قاضی نمایندگان محترم کردستان و نمایندگان معظم آذربایجان کیه روزنامه ... کوهستان با نهایت احترام مسرور می‌دارم چنانکه نمایندگان معظم اطلاع دارند سالیهای ستادی است و شایع است که دولت و کشور و امنیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در زیر چنگال مأمورین مرتجع و خوشنویس واقع گردیده بود در باره ملت نسیب کرد اشباهی ظلم و ستم را رداخته و روش فاشیستی را در خاک کردستان ادامه میدادند ناچار ملت با شهادت و قهرمان کرد با پیروی کردن و شایع شدن حقوق چندین هزار ساله خود به بارزه در راه آزادی که سرشقی نیاکن ماست قیام کرده اند بهترین وضع کنونی دنیای متمدن توانست مملکت خود را از قید اسارت و بردگی هلال فاشیستی جاک و امنیت و آسایش لازم در سرنا سر خاک کردستان حکمفرما و بر فراز پشاهراه ترقی سوق داده بنابرین استقرار و آزادی و وضیت فعلی این ملت را ناپید خواستار بوده و انتظار داریم با تمام معنی قوای خود ملین و طریکار انداخته که احساسات پاک ما چریحه دار نکرد.

بازرگانان مهاباد - محمد صالح زاده - محمد حکم زاده - حاجی سید کریم - حسن ولی زاده - حاجی سید کریم - جمعی رادایبان - شیخ عبدالله فریدی - ابراهیم فهیم - حاجی محمد امین وحید صالح زاده غزازی - سید سعیدی عبدالله حسینی - رشید شامی - مصطفی محمودزاده - مصطفی باوری - سید صالحان صدیق باوریان - حاجی رحمن شریکی - احمد ولی زاده - رحمت داوری - سید حاجی جعفری - سید خسروی - حاجی سید رحمن - حسن محمد رسول کاکاآن زین کاسم اوطبیشی - حاجی احمد داوری رسول سلیمی - حسین داوری - کریم رشیدی - حسن ولی زاده - غنی شامی سید باوریان - غنور رحمانی - حسن داوری - عبدالله سیدی - عبدالله کریمی سید سعید حسینی .

✕+✕

جناب آقای قوام السلطنه و آقای پیشه وری نخست وزیر آذربایجان کیه جناب آقای صدر قاضی و محمدحسین خان سیف قاضی نمایندگان محترم کردستان و نمایندگان آذربایجان کیه روزنامه کوهستان ملت کرد در راه آزادی خود تاکنون با جانفشانیهای طاقت فرسا ملیونها در از جوانان رشید و شجاع خود را بر سر زمین مقدس نیاکن خود از دست داده است و برضه دیکتاتورهای خوشنویس و فاشیستهای درنده‌میش در هزاره بوده است و اکنون توانه که امنیت کامل بوسیله قوای مسلح

پیرومند خود در سراسر کردستان از جهت اجتماع و اقتصادی و سیاسی برقرار نماید خواهش می‌کنیم برای استقرار امنی احساسات توده این مملکت مانند حال حاضر قوای لشکری و کشوری و فدائیان رشید کرد تا اید در داخله کردستان بساطت و جدیت های لازمه را بعمل بیاورند تا که احساسات این ملت رشید چریحه دار نگردد از طرف روسای هشایر و ایلات کردستان - رئیس طایفه منگور طایفه نوری - رئیس طایفه زوزا قزلی زوزا رئیس طایفه موسی خان زوزا رئیس طایفه چکانی سید سلطانی - مالک کتکه منگور علی یزنی رئیس هشایر منگور عبدالله بایزیدی معروف قادری - رئیس طایفه و هشایر منگور حیدر کاهلی رئیس طایفه ایل منگور قادری که مانند قادری بایزیدی عزیز رئیس طایفه ایل کورک کتکافه رئیس طایفه ایل کورک آقاخانی عزیز طایفه کورک حیدر کاهلی سید امین یوسف نو و محمد قاسم شمس الدین درویش محمد حسن الدین رئیس هشایر منگور خضری عزیز رئیس هشایر منگور حسن حسری رئیس طایفه ایل منگور ابراهیم سالاری رئیس طایفه ایل منگور ابراهیم بایزیدی .

✕+✕

جناب آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران کیه جناب آقای ابوالقاسم صدر قاضی و محمدحسین سیف قاضی نمایندگان محترم کردستان و نمایندگان معظم آذربایجان کیه روزنامه ... کوهستان احتراماً مزاحمت و خاطر نشان می‌نمایم برای که خاطر آقایان مستخضرو سوخت است ملت کرد را زوزی که به گروه جمع گردیده علی دوام برای خبات و آزادی حقیقی ملت کرد با احترام و اقرار تاریخ مبارز معالی تاریخی بعمل آورده تا غرد را از دست فاشیستهای غول‌مکش و دیکتاتوران خوشنویس اجابت داده و ملت خویش را با هزاران مشتق و خونابه چکر امن و امان نموده و ملت خودش را بشاهراه ترقی و سر منزل سعادت رهبری میکند برای استقرار احساسات این ملت خواهش داریم گوش فرمائید که وضیت امنیت اجتماعی و سیاسی این مملکت پایدار بوده و طوری فرمائید که به احساسات ملت اطلاع و اورداید.

مهاباد هشت کتبه مرکزی حزب دموکرات کردستان - محمد علی رشیدی علی ریسمانی - مصطفی سلطانیان - مناف کریمی - کریم احمدی - سید محمد طه زاده حاجی مصطفی داودی .

✕+✕

جناب آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران آقای پیشه وری نخست وزیر آذربایجان کیه جناب آقای ابوالقاسم صدر قاضی و محمد حسین سیف قاضی نمایندگان محترم کردستان کیه روزنامه

برای اطلاع ستاد ارتش

جناب آقای نخست وزیر و رونق وزارت جنگ رونق ستاد ارتش رونق نامه ملی کوهستان در لیل چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت یکساعت از شب گذشته دو نفر اسیر در مونی خواهی نو و نور آذر در اثر استعمال مشروب یاغسان چهار سرباز در انسانی که خود اینجانب در خانه بوده ام و درب حیاط باز بوده بتزلم ریشته اول پداف نام فرزند ۸ ساله ام را کتک کاری و آنچه مایه بی شرفی و هتاک نسبت بهائمه ام باشد نموده اند در حدود پنجاه نفر زن و مرد و بچه از اهل محل حضور داشته اند تقاضای تراز رسیدگی و تعقیب قانونی نامبردگان را خواستارم .
ابو محمد چارش نژاد

روزنامه ستاره غرب

روزنامه ستاره غرب روزنامه است سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - علمی - ادبی - کاریکاتوری .
روزنامه ستاره غرب بستگی به هیچ حزب و دسته ندارد و مرام آن خدمت به رفاه عمومی و میانه در راه تکمیل مبانی مشروطیت و دموکراسی و استقلال کشور ایران است و هدف آن ترویج افکار دموکراتیک است .
روزنامه ستاره غرب مکتب سیاسی است که فضا و فنون و فنون .
را بطریقی بدیع در دسترس علاقمندان میکند و لزومی مشتر می شود
۲ - ۱

از سندج

اظهار اشتنان

جناب آقای دکتر اردلان مهربان روز کوهستان
عوم اهل کردستان در معالجه چشم جناب مرشد سالکین آقای حاج سید شهاب الدین نقشبندی بر اثر مداقت و جدیت جنابان آقایان دکتر هادی و دکتر واسی شکر گذار و از خداوند مثال توفیق و سعادت اطبای معظوم شهربهای محترم که در وقت معالجه جناب آقای نقشبندی بذل مسامح فرموده اند خواهام و آرزو مندیم بیش از پیش بنسبیت چنین اعمال نیک قلوب حساسه بطرف آقایان متوجه شود .
خاتمه بدین وسیله تشکرات ناخفته را شنود و بفرموده خدمت آقایان محترم ایفاد بدارد .
علی نصر الدینی - شیخ الاسلامی - محمد سعیدی - مصطفی متول - بهاء ظهیر اعظمی - ابوالقاسم صادق روزبری - بهاء خوری - محمد مصطفی متولی - برهان قنار الدینی - محمود متول - حبیب روحانی - شریف قلی - حسن نقرزاده - مروغی - احمد زندی - طهانی - مروغی - صلاحی - سید افش کریمی - عباس امین اسلامی - انتقاری - کرد نژاد - اقبال بزرگ - شکر افش کاه - بران - حاتم الدین حسینی

خبرگزاری پارس تکذیب می کند

شایعه اینکه آقای نخست وزیر اظهار داشته اند ، اگر نمایندگان آذربایجان از دهی خود بهشتاری و سایر درخواست خود چشم پوشند بقره قهریه بر علیه آنها متوجه خواهند شد ، از طرف غیرگزاری پارس و سایر تکذیب شده است کوهستان - انتشار شایعه فوق باعث نهایت تعجب و تامل بود تکذیب غیرگزاری پارس با دیگر حسن نیت و دروش ما تلاه نخست وزیر را تایید می نماید عوم ایرانیان وطن پرست موقت آقای قوام السلطنه و در حل مسئله آذربایجان مستلک می‌نمایند .

... نودستان .

با نهایت احترام معروض می‌داریم چنانچه نمایندگان معظم استعماردارانه سطح زندگی ملت کرد امنیت اجتماعی سیاسی اقتصادی سایر ارزشها بنسبیت های خوشنویس واقع گردیده بود که چیزی در برداشت ملت نجیب کرد را بدهد پیشی سوق داد ناچار ملت کرد با پیروی کردن حرکات و مبارزه آزادی که سرشقی نیاکن کرد بوده قیام العبد لله بطور احسن توانست مملکت خود را از قید اسارت و ستم و ستم های زوالی فاشیست بنسبت و امنیت و امان که در سراسر مملکت حالیه حکمفرماست تاریخ نشان نداده و مأمورین و تشکیلات حالیه کرد شاهراه ترقی می‌سایند و ملت را سعادت ابدی خواهد راند بنا بر این اشترحاً برای استقرار وضیت فعلی و بشرقت مرام این ملت تنها داریم همه افکار خود را فقط فقط برای پیشرفت مسامحه عوم معسوف فرموده و انتظار داریم با تمام معنی از

چریحه دار گشتن احساسات بانک این ملت جلوگیری لازم را رسول فرمائید .
مهاباد هشت کتبه شهری حزب دموکرات کردستان - وهاب باوریان احمد الهی - مناف کریمی - حسین زکریا سید محمد طه زاده - محمود ولی زاده - صدیق سعیدی - محمد باهو